

بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان

رضا بلاغت*
هادی احمدی**
نجمه گلزاری مقدم***

چکیده

مطالعه حاضر باهدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام گرفت. این پژوهش توصیفی همبستگی از نوع رگرسیون بود که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای-تصادفی ۳۰۸ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۴ از طریق سه پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰)، هوش اخلاقی لنینک و کیل (۲۰۰۵) و تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷) مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان با کمک نرم‌افزار SPSS^{۲۱} مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد: الف) بین جهت‌گیری مذهبی با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد ($p < 0/01$). ب) بین هوش اخلاقی با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد ($p < 0/01$). ج) هر دو بعد جهت‌گیری مذهبی بیرونی و درونی و مؤلفه‌های درستکاری، مسئولیت‌پذیری و بخشش (مؤلفه‌های هوش اخلاقی) از توان پیش‌بینی تعهد زناشویی برخوردار هستند. با توجه به یافته‌ها توجه بیشتر به نقش باورهای مذهبی و هوش اخلاقی در افزایش تعهد زناشویی در تمامی نهادهای جامعه به‌ویژه خانواده، آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه ملی ضروری می‌نماید.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، هوش اخلاقی، تعهد زناشویی، دانشجویان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

* عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه تهران

*** دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

با توجه به عمده بحث‌هایی که تا کنون برای تعریف ازدواج سالم وجود داشته، باور بر این است که در واحدهای زناشویی قوی، عناصر ذیل موجود است: صمیمیت، تعهد، ارتباط عاطفی، مهارت‌های حل تعارض و معنویت. تعهد زناشویی بین همسران یک پیش‌بینی کننده مهم برای ازدواج‌های رضایت‌بخش و پایدار است (خانجانی و شکی، سلیمی، صفریگی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲۵). یکی از کارهایی که خانواده سالم انجام می‌دهد، احساس تعهد در قبال دیگر اعضای خانواده است. در خانواده‌های متعهد اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند، بلکه در رشد و تعالی هر یک از اعضای آن می‌کوشند (عسگری، پاشا و آذرکیش، ۱۳۹۰: ۵۴). تعهد زناشویی باعث حفظ و بقای ارتباط در زندگی زوجین می‌شود (شاه‌سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸: ۲۳۴).

اما زوجینی که در مورد تعهد خود در قبال همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دوسو گرانه را تعقیب می‌کنند، در ازدواج و کار کردن با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه این امر بی‌وفایی خواهد بود (شاه‌سیاه، بهرامی و محبی، ۱۳۸۸: ۲۳۴). با توجه به اهمیت تعهد در زندگی زناشویی در راستای حفظ سلامت و بهداشت روانی زوجین و در نتیجه جامعه، ضرورت اقداماتی برای بهبود روابط زناشویی و خانوادگی و به‌ویژه افزایش میزان تعهد زناشویی زوجین مطرح می‌گردد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). با توجه به اینکه دینداری و هوش اخلاقی، از عوامل مهم تعهد و رضایت‌مندی زناشویی به شمار می‌روند و تعهد و رضایت‌مندی از زندگی زناشویی، منجر به دوام ازدواج می‌گردد و باعث متعهد ماندن زوجین، به زندگی زناشویی و خانواده می‌شود. و از طرفی با عنایت به اینکه عدم تعهد زناشویی در ازدواج، باعث شکل‌گیری روابط فرا زناشویی و خارج از ازدواج می‌شود که در نهایت منجر به طلاق و جدایی خواهد شد. پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام گرفت.

دو ویژگی عمده در نمونه مورد بررسی پژوهش وجود دارد که مطالعه آن از اهمیت بسزایی برخوردار است: جوان بودن و دانشجوی بودن. جوانی از این منظر مهم و حیاتی است که جزو حساس‌ترین مراحل شکل‌گیری و تحکیم ویژگی‌های شخصیتی به شمار آمده و نقش بنیادین در کیفیت زندگی در مراحل مختلف رشد ایفا می‌کند. وقتی به جوانی دانشجوی بودن اضافه می‌شود، حساسیت و اهمیت موضوع بالاتر می‌رود چرا که دانشجویان از ارکان اصلی نیروی انسانی کشورها محسوب می‌شوند و نقش بسزایی در تحول، پیشرفت و تعالی هر کشور دارند. با توجه به اهمیت نقش جوانان دانشجوی، در پیشرفت و تعالی جوامع، طبیعی است که بررسی عوامل مؤثر در تعهد زناشویی این قشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. هم‌چنین بررسی تعهد زناشویی دانشجویان متأهل بر اساس دو مؤلفه جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی در کشور خیلی کم و در دانشگاه سیستان و بلوچستان اصلاً مورد مطالعه قرار نگرفته است که می‌تواند بیانگر جنبه جدید و نوآورانه تحقیق باشد. نتایج چنین مطالعه‌ای می‌تواند به کلیه مسئولان و دست‌اندرکاران به‌ویژه مؤسسات آموزش عالی، سازمان ورزش و جوانان و نهادهای مذهبی کمک نماید تا زمینه‌های دوام زندگی زناشویی را بهتر بشناسند و از آن در راه حل مشکلات زناشویی زوج‌ها و جلوگیری از فروپاشی کانون خانواده که به تبع آن فروپاشی اخلاقیات در جامعه را خواهیم داشت بهره‌گیرند.

ازدواج مهم‌ترین قرارداد زندگی هر فرد محسوب می‌شود. ازدواج موفق حاوی سه رکن اساسی تعهد، جاذبه و تفاهم است که در این بین، تعهد زناشویی قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش‌بینی‌کننده کیفیت و ثبات زناشویی است (کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

تعهد به عنوان یک تصمیم برای ادامه زندگی زناشویی محسوب می‌شود و عبارت است از ارتباط و وابستگی روانی به شریک زندگی. آما تو معتقد است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه حد برای روابط زناشویی خود ارزش قائل‌اند و چقدر برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. تعهد به رابطه را می‌توان به عنوان واسطه‌ای برای بخشش، تفاهم در تعیین محل زندگی و آمادگی برای فدا کردن خود برای شریک زندگی دانست. بنابراین، تعهد را عاملی اصلی برای حفظ رابطه زناشویی می‌دانند. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷-۱۶).

با توجه به تعاریف فوق، می‌توان پذیرفت تعهد زناشویی حدی است که در آن افراد، دیدگاه بلندمدتی روی ازدواجشان دارند؛ برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند؛ برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام بر می‌دارند و حتی هنگامی که ازدواجشان ثمربخش نیست، با همسرشان می‌مانند (قنبری هاشم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰). عوامل متعددی می‌تواند بر تعهد زناشویی تأثیرگذار باشد، که در این پژوهش به دو عامل مهم جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی پرداخته می‌شود.

پژوهش‌های انجام‌شده، در زمینه جهت‌گیری مذهبی نشان داده‌اند که پایبندی به مذهب، عامل مهمی در پایداری ازدواج و رضایت زناشویی است. در نقطه مقابل، هرچه میزان مغایرت در باورهای مذهبی زوجین بیشتر باشد، میزان اختلاف آن‌ها بیشتر خواهد بود (صدیقی، صفریگی، محبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴).

هوش اخلاقی مفهومی جدید در عرصه علم ظرفیت می‌باشد که توسط لینک و کیل (۲۰۰۵) ابداع گردیده است. در واقع هوش اخلاقی ذهن افراد، جهت تعیین این نکته مهم است که چگونه باید از اصول جهان‌شمول بشری، در ارزش‌ها، اهداف و فعالیت‌های خودمان در زندگی استفاده کرد (لینک و کیل، ۲۰۱۱). همچنین هوش اخلاقی به معنای تشخیص امور درست و غلط و تشخیص امور اخلاقی جهان‌شمول است (بوریا، ۲۰۰۵). در مدل لینک و کیل (۲۰۰۵) هوش اخلاقی دارای ابعاد درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش می‌باشد (اصغری، قاسمی جوبنه، ۱۳۹۲: ۶۹-۶۸). که در پژوهش حاضر همین الگو مد نظر قرار گرفته است.

در دین و فرهنگ ما تعهد زناشویی یک ارزش بسیار عالی است و حساسیت‌های زیادی نسبت به آن وجود دارد و به عنوان یکی از عوامل اساسی در ثبات و کیفیت زناشویی شناخته می‌شود. از آنجایی که تحقیقات اندکی به بررسی رابطه تعهد زناشویی دانشجویان متأهل با سایر متغیرها پرداخته‌اند، هنوز سؤالاتی در مورد نقش جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی در تبیین میزان تعهد زناشویی، به خصوص موجود است. لذا هدف اصلی این پژوهش پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی است. بر این اساس، مسئله‌ی اصلی پژوهش این است که چه رابطه‌ای بین جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان وجود دارد؟

در مطالعه‌ای که بر روی زوجین طلاق گرفته در ایالت اوکلاهما انجام گرفت یافته‌ها نشان داد از دوازده عامل معرفی شده ۵۸ درصد آن‌ها فقدان تعهد و ۸۵ درصد خیانت یا روابط فرازنشویی که رابطه نزدیکی با فقدان تعهد دارد را دلیل عمده برای طلاق خود دانسته‌اند (خانجانی و شکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲۶).

لیچر و کارمالت در مطالعه خود دریافتند باورهای مذهبی می‌تواند در خانواده‌هایی که در وضعیت اقتصادی بدی قرار دارند، کارکردی مثبت داشته باشد و باعث بالا رفتن کیفیت روابط زناشویی می‌شود (لیچر و کارمالت، ۲۰۰۹: ۱۶۸).

ویلیام و همکاران در مطالعه خود با موضوع رابطه خود پنداره منفی با تعهد زناشویی دریافتند اشخاص با خود پنداره مثبت به همسرانی که بهتر از آن‌ها فکر می‌کردند، تعهد بیشتری داشتند؛ نسبت به همسرانی که ضعیف‌تر از آن‌ها فکر میکردند و اما اشخاصی که دیدگاه‌های منفی نسبت به خود داشتند و به عبارتی خود پنداره منفی داشتند به همسرانی که ضعیف‌تر از آن‌ها فکر می‌کردند متعهدتر بودند (ویلیام و همکاران، ۱۹۹۲: ۱۸).

لامبرت و دولاهیت مطالعه‌ای به منظور بررسی تعهد زناشویی زوجین مذهبی بر روی ۵۷ زوج به شدت مذهبی میان‌سال، ساکن در انگلستان و شمال کالیفرنیا انجام دادند که مشخص شد برای بیشتر زوج‌ها خدابخش قابل توجهی در ازدواجشان می‌باشد. و در الگوهای که ارائه دادند نشان دادند که بین دینداری و تعهد در ازدواج ارتباط معناداری وجود دارد (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸: ۵۹۹).

در تحقیق صادقی و سامانی (۲۰۱۱) مشخص شد که بین کیفیت روابط زناشویی و روابط جنسی با ملاحظات اخلاقی زوجین، و بین کیفیت روابط زناشویی و روابط جنسی با رضایت از زندگی در زوجین ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (صادقی و سامانی، ۲۰۱۱: ۱۶۱۶).

متینگلی و دیگران در مطالعه خود باهدف بررسی رابطه بین مذهب و خیانت زوج‌ها نشان دادند رتبه عامل رفتارهای مبهم، به طور منحصر به فردی به وسیله رضایت و مذهب پیش‌بینی شده بود (متینگلی و دیگران، ۲۰۱۰: ۱۴۶۵).

مطالعه گوردون و دیگران نشان داد بخشودگی به عنوان یک مؤلفه مهم هوش اخلاقی به بهبود روابط، ابراز خشم مناسب و التیام زخم‌های عاطفی زوجین کمک می‌کند و آموزش بخشودگی بر افزایش سازگاری زناشویی موثر است. (گوردون و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۳۹۵-۱۳۹۴).

در مطالعه‌ای دیگر، گوردون و همکاران روابط بین ابعاد عملکرد خانواده و ابعاد مثبت و منفی از بخشش را مورد بررسی قرار دادند. بخشش مثبت باعث افزایش درک از شریک زندگی فرد می‌شود و در مورد خیانت این بخشش مثبت باعث کاهش خشم می‌شود. درحالی‌که تجاربی مانند کینه‌ورزی و تمایل به انتقام نشان بخشش منفی است. بخشش مثبت از خیانت زناشویی به طور قابل توجهی با رضایت زناشویی در ارتباط است (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹: ۱).

نتایج تحقیقات بووس نشانگر آن است که بین تعهد زناشویی و شاخص‌های رفتاری (مؤلفه‌های هوش اخلاقی) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد و در ۶-۰ سال اول ازدواج و نیز بالای ۲۴ سال بعد ازدواج این شاخص‌ها بالاتر و نتیجتاً تعهد بالاتری وجود دارد این در حالی است که سال‌های میانی ازدواج یعنی ۲۴-۷ سال این تعهد کمتر است. (بووس، ۲۰۰۹: ۱۶).

مطالعه براوان و دیگران باهدف بررسی دینداری و ثبات زناشویی در زوج‌های سیاه و سفید آمریکایی نشان می‌دهد که زمانی که زوجین از لحاظ باورهای مذهبی باهم یکسان باشند، ثبات زناشویی بیش تری وجود دارد (براون و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۸۶).

مطالعه گال باهدف بررسی معنویت و مقابله با استرس زندگی در میان بزرگسالان بازمانده از سوءاستفاده جنسی دوران کودکی نشان داد که اعتقاد به خدا و معنویت با سطوح پایین‌تر پریشانی و افسردگی همراه بود (گال، ۲۰۰۶: ۸۲۹).

هسلی در مطالعه خود با هدف بررسی رضایت زناشویی در زوج‌های تازه ازدواج کرده بر اساس مؤلفه‌های مذهب و سبک دلبستگی عاشقانه نشان داد که نگرش مذهبی بالای زوجین به طور قابل توجهی با رضایت زناشویی بالاتری همراه است (هسلی، ۲۰۰۶: ۴۸).

فینچام و همکاران در مطالعه خود با هدف رابطه بین بخشش (یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی) و حل تعارض در ازدواج دریافتند که بخشش می‌تواند پیش‌بینی کننده خوبی برای حل تعارض زناشویی باشد (فینچام و همکاران، ۲۰۰۷: ۵۴۲).

فیالا و همکاران با هدف بررسی مقیاس حمایت مذهبی دریافتند که هر سه نوع حمایت مذهبی (پشتیبانی از خدا، جماعت، و رهبری کلیسا) با افسردگی کمتر و رضایت بیشتر از زندگی مربوط می‌شود (فیالا و همکاران، ۲۰۰۲: ۷۶۱). در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شد حضور مذهبی دارای بیشترین تأثیر مثبت بر ثبات زناشویی است؛ وقتی همسران، هر دو به طور منظم در کلیسا حضور پیدا کنند، زن و شوهر کمترین خطر ابتلا به طلاق را دارند (کال و همکاران، ۱۹۹۷: ۳۸۲).

مطالعه کوچک انتظار و همکاران با هدف بررسی رابطه بین بخشش (یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی) و هوش هیجانی با رضایت زناشویی نشان داد ارتباط معناداری بین بخشش و رضایت زناشویی وجود دارد (کوچک انتظار و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۱).

فرید من و همکاران در مطالعه‌ای تحت عنوان آموزش بخشش (یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی) به نوجوانانی که طلاق پدر و مادر را تجربه کرده بودند نشان داد که ارتباط معناداری بین امید بیشتر و کاهش اضطراب با بخشش وجود دارد که خود تأثیر مثبتی بر سلامت روان آنها داشته است (فریدمن و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۳۵). آلمبوک و همکاران در مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان دختر و پسر انجام دادند نشان دادند که تعهد بر بخشش (یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی) به طور قابل توجهی با اضطراب پایین‌تر، نگرش مثبت نسبت به پدر و مادر، امید و اعتماد به نفس همراه بود (آلمبوک و همکاران، ۱۹۹۵: ۴۲۷).

روحانی و معنوی پور، در پژوهشی با عنوان رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، نشان دادند که بین دینداری با شادکامی و رضایت زناشویی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و دینداری پیش‌بینی کننده مناسبی برای رضایت زناشویی و شادکامی محسوب می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

در تحقیقی دیگر دانشجویان با جهت‌گیری مذهبی درونی در مقایسه با دانشجویان با جهت‌گیری مذهبی بیرونی، از سلامت روان و شناختی بالاتری برخوردار بودند (خدا پناهی و خاکسار بلا دجی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰).

در پژوهشی که لامبرت و دولاهیت به منظور بررسی تعهد زناشویی زوجین مذهبی انجام دادند زوج‌ها گزارش کردند که باورها و اعمال مذهبی به آن‌ها کمک کرده تا خدا را به عنوان ناظر بر ازدواج خویش قرار دهند و ازدواج را به عنوان یک نهاد مذهبی که دوام دارد، باور داشته و در تعهد نسبت به ازدواج معنا پیدا کنند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷).

بهشتی فر و همکاران (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که هوش اخلاقی پیش‌فرض اساسی هوشی زیستی و هوش اجتماعی است (اصغری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۹).

مطالعه اسکندری و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که بین هوش اخلاقی و مهارت‌های ارتباطی رابطه وجود دارد (اصغری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۹).

مطالعه گل محمدیان و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد، آموزش هوش اخلاقی و معنوی بر ناسازگاری زوجین تأثیر مثبت دارد (اصغری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۸).

مقدسی و خالقی (۲۰۱۳) در تحقیقات خود نشان دادند که بین هوش اخلاقی و تحمل پریشانی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد (اصغری و قاسمی، ۱۳۹۲: ۷۰).

روش

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر به بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل پردازیم، روش پژوهش توصیفی همبستگی (از نوع رگرسیون) می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به حجم ۱۴۷۳ نفر (۹۴۷ نفر زن و ۵۲۶ نفر مرد) بود. با توجه به این که حجم جامعه آماری مردان و زنان یکسان نبود به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای-تصادفی متناسب با حجم و بر اساس جدول کرجسی و مورگان و با در نظر گرفتن نرخ افت تعداد ۳۲۰ دانشجوی متأهل (۲۰۶ نفر زن و ۱۱۴ نفر مرد) مورد مطالعه قرار گرفتند.

برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه استاندارد به شرح ذیل استفاده شد: برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه استاندارد به شرح ذیل استفاده شد:

الف) پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰)، این پرسشنامه دارای ۲۱ ماده است که ۱۲ ماده آن مربوط به جهت‌گیری مذهبی بیرونی (گویه‌های ۱ تا ۱۲) و ۹ ماده آن مربوط به جهت‌گیری مذهبی درونی (گویه‌های ۱۳ تا ۲۱) است. در این پرسشنامه نمره‌گذاری برای سؤالات مقیاس جهت‌گیری مذهبی بیرونی بدین صورت است: کاملاً مخالفم ۴، تقریباً مخالفم ۳، تقریباً موافقم ۲ و کاملاً موافقم ۱ و برای سؤالات مقیاس جهت‌گیری مذهبی درونی نمره‌گذاری بدین صورت است: کاملاً موافقم ۴، تقریباً موافقم ۳، تقریباً مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱. پایین‌ترین نمرات مربوط به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی (نمرات بین ۹-۳۶) و بالاترین نمرات مربوط به افراد دارای جهت‌گیری مذهبی بیرونی (نمرات بین ۱۲-۴۸) است. پایایی این پرسشنامه توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) در یک گروه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ مورد تأیید قرار گرفت.

ب) پرسشنامه هوش اخلاقی لیک و کیل (۲۰۰۵)، این پرسشنامه هوش اخلاقی را در قالب ۴ مؤلفه و ۴۰ گویه به شرح: درستکاری (گویه‌های ۱-۱۰)، مسئولیت‌پذیری (گویه‌های ۱۱-۲۰)، دلسوزی (گویه‌های ۲۱-۳۰)،

بخشودگی (گویه های ۳۱-۴۰) می‌سنجد. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (هرگز، به ندرت، بعضی اوقات، بیشتر اوقات، همیشه) تنظیم شده است. شیوه نمره‌گذاری آن از ۱=هرگز تا ۵=همیشه است. در این آزمون، حداقل نمره ۴۰ و حداکثر ۲۰۰ می‌باشد و نمره بالاتر به معنای هوش اخلاقی بالاتر است. در مطالعه اصغری و قاسمی جوبنه (۱۳۹۳) میزان ضریب آلفای کرونباخ برای درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، بخشودگی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۶، ۰/۷۱ و ۰/۷۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۵ بدست آمد.

ج) پرسشنامه تعهد زناشویی آدامز و جونز (۱۹۹۷)، این پرسشنامه تعهد زناشویی را در قالب سه مؤلفه و ۴۴ گویه به شرح تعهد شخصی (گویه های ۱ تا ۱۰)، تعهد اخلاقی (گویه های ۱۱ تا ۲۲)، و تعهد ساختاری (گویه های ۲۳ تا ۴۴) مورد بررسی قرار می‌دهد. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. شیوه نمره‌گذاری آن از ۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم است. سؤالات ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در این آزمون، حداقل نمره ۴۴ و حداکثر ۲۲۰ می‌باشد. هر چه نمره فرد به ۲۲۰ نزدیک‌تر باشد نشانه تعهد زناشویی بالاتر وی است. در مطالعه محمدی و دیگران (۱۳۹۳) مقدار ضریب پایایی برای تعهد شخصی، ۰/۶۶، تعهد اخلاقی، ۰/۷۶ و تعهد ساختاری، ۰/۷۸ و برای کل پرسشنامه ۰/۸۷ بدست آمد. در این پژوهش مقدار ضریب پایایی برای تعهد شخصی، ۰/۷۱، تعهد اخلاقی، ۰/۷۸ و تعهد ساختاری، ۰/۸۱ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۲ بدست آمد.

سؤالات پژوهش

- ۱) چه رابطه‌ای بین جهت‌گیری مذهبی و مؤلفه‌های آن (جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی) با تعهد زناشویی و مؤلفه‌های آن (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) وجود دارد؟
- ۲) چه رابطه‌ای بین هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن (درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، بخشودگی) با تعهد زناشویی و مؤلفه‌های آن (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) وجود دارد؟

یافته‌ها

در مطالعه حاضر ۳۲۰ دانشجوی متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان در اردیبهشت ۱۳۹۴ از طریق پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند که تعداد ۱۲ پرسشنامه به علت نقص اطلاعات کنار گذاشته شدند و ۳۰۸ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت که از این تعداد ۱۹۸ نفر (۶۴/۳٪) زن و ۱۱۰ نفر (۳۵/۷٪) مرد بودند. برای بررسی وضعیت پاسخگویی آزمودنی‌ها به متغیرهای پژوهش از آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است:

جدول ۱. گزارش توصیفی پاسخگویی به متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل	حداکثر	SD
	میانگین	میانگین	
جهت‌گیری مذهبی بیرونی	۱/۳۳	۴	۰/۵۷۳
			۲/۷۶۳

۰/۵۰۱	۳/۱	۴	۱/۶۷	جهت‌گیری مذهبی درونی
۰/۴۳۵	۲/۹۳	۴	۱/۹۲	جهت‌گیری مذهبی (کل)
۰/۶۵۹	۳/۷۷	۵	۲	درستکاری
۰/۶۵	۳/۸۵	۵	۲/۳	مسئولیت‌پذیری
۰/۶۳۶	۳/۸۸	۵	۲/۴	دلسوزی
۰/۶۴۹	۳/۶۴	۵	۲/۲	بخشش
۰/۵۹۱	۳/۷۸	۵	۲/۶۸	هوش اخلاقی (کل)
۰/۶۸۲	۴/۰۱	۵	۱/۸	تعهد شخصی
۰/۶۸۱	۳/۹۸	۵	۱/۹۲	تعهد اخلاقی
۰/۶۲۷	۳/۸۹	۵	۱/۷۳	تعهد ساختاری
۰/۶۱۳	۳/۹۶	۵	۲/۰۵	تعهد زناشویی (کل)

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که میانگین نمره دانشجویان در متغیرهای مورد مطالعه از میانگین نظری بالاتر است که نشان می‌دهد آنها هم از جهت‌گیری مذهبی خوبی برخوردارند، هم هوش اخلاقی خوبی دارند و هم تعهد زناشویی نسبتاً خوبی دارند.

سؤال اول: چه رابطه‌ای بین جهت‌گیری مذهبی و مؤلفه‌های آن (جهت‌گیری مذهبی درونی و جهت‌گیری مذهبی بیرونی) با تعهد زناشویی و مؤلفه‌های آن (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) وجود دارد؟ برای بررسی این سؤال، در مرحله اول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که ضرایب آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی متقابل جهت‌گیری مذهبی با تعهد زناشویی

متغیر	تعهد شخصی	تعهد اخلاقی	تعهد ساختاری	تعهد زناشویی
جهت‌گیری	۰/۳۶۸	۰/۴۲۴	۰/۳۲۵	۰/۴۰۴
مذهبی بیرونی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جهت‌گیری	۰/۴۱۴	۰/۴۳۳	۰/۵۱۵	۰/۴۸۹
مذهبی درونی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
جهت‌گیری	۰/۴۸	۰/۵۲۸	۰/۵۱	۰/۵۴۸
مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که تمام ضرایب همبستگی بین جهت‌گیری مذهبی و ابعاد آن (جهت‌گیری بیرونی و درونی) با تعهد زناشویی و ابعاد آن (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) مثبت و معنادار است ($p < ۰/۰۱$)، بنابراین وجود رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی با تعهد زناشویی دانشجویان تأیید می‌گردد.

که به این معناست: هرچه دانشجویان جهت‌گیری مذهبی بهتری داشته باشند به همان نسبت از تعهد زناشویی بالاتری برخوردار می‌گردد. در مرحله دوم و پس از پی بردن به وجود رابطه مثبت و معنادار بین جهت‌گیری مذهبی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل، جهت برآورد این برآورد این رابطه از رگرسیون استفاده شد که یافته‌های آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳. خلاصه تحلیل رگرسیون برای تبیین رابطه جهت‌گیری مذهبی با تعهد زناشویی

Sig	t	ضرایب غیراستاندارد		B	جهت‌گیری بیرونی
		ضرایب استاندارد	Std. Error		
۰/۰۰۰	۵/۵۷	۰/۲۷۹	۰/۰۵۴	۰/۲۹۹	جهت‌گیری بیرونی
۰/۰۰۰	۸/۰۴	۰/۴۰۳	۰/۰۶۱	۰/۴۹۳	جهت‌گیری درونی
		$r=0/557$	$r^2= 0/31$	$f= 68/443$	$Sig= 0/000$

بر اساس یافته‌های جدول ۳ مقدار f در سطح کمتر ۰/۰۱ معنادار است و بنابراین فرض صفر "رگرسیون معنادار نیست" با اطمینان ۰/۹۹ رد می‌شود. مقدار ضریب همبستگی چندگانه (۲) ۰/۵۵۷ و ضریب تعیین (۲۲) نیز برابر با ۰/۳۱ می‌باشد، به این معنا که ۳۱ درصد تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را می‌توان بر اساس متغیرهای پیش بین وارد شده تبیین نمود و بقیه متعلق به سایر متغیرهایی است که در این مطالعه لحاظ نگردیده‌اند. هم‌چنین با توجه به معنی‌داری ضرایب β فرض صفر "ضرایب بتا برابر با صفر است" با اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود و از بین ابعاد جهت‌گیری مذهبی به ترتیب بعد جهت‌گیری مذهبی درونی با مقدار β (۰/۴۰۳)، و سپس بعد جهت‌گیری مذهبی بیرونی با مقدار β (۰/۲۷۹) بیشترین تأثیر را بر تعهد زناشویی دانشجویان دارند.

سؤال دوم: چه رابطه‌ای بین هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن (درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، بخشودگی) با تعهد زناشویی و مؤلفه‌های آن (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) وجود دارد؟ برای بررسی این سؤال، در مرحله اول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که ضرایب آن در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. ضرایب همبستگی متقابل هوش اخلاقی با تعهد زناشویی

متغیر	تعهد شخصی	تعهد اخلاقی	تعهد ساختاری	تعهد زناشویی
درستکاری	R	۰/۴۹۷	۰/۵۴۴	۰/۵۸۴
	Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	R	۰/۴۶۶	۰/۵۲	۰/۵۳۳
	Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
دلسوزی	R	۰/۴۲۹	۰/۴۸۱	۰/۵۱۸
	Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

۰/۵۶۵	۰/۵۶۳	۰/۵۱۶	۰/۴۹	R	بخشش
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig	
۰/۶۰۸	۰/۶۰۶	۰/۵۶۶	۰/۵۱۷	R	هوش اخلاقی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig	

یافته‌های جدول (۴) نشان می‌دهد که تمام ضرایب همبستگی بین هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن (درستکاری، مسئولیت، دلسوزی و بخشش) با تعهد زناشویی و ابعاد آن (تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) مثبت و معنادار است ($p < 0/01$)، بنابراین وجود رابطه مثبت و معنادار بین هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان تأیید می‌گردد که به این معناست: با افزایش هوش اخلاقی دانشجویان بر میزان تعهد زناشویی آنها افزوده می‌گردد. در مرحله دوم و پس از پی بردن به وجود رابطه مثبت و معنادار بین هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان، جهت برآورد این رابطه از رگرسیون استفاده شد که یافته‌های آن در جدول (۵) گزارش شده است.

جدول ۵. خلاصه تحلیل رگرسیون برای تبیین رابطه هوش اخلاقی با تعهد زناشویی

Sig	T	ضرایب		B	
		استاندارد	غیراستاندارد		
		Beta	Std. Error		
۰/۰۰۰	۳/۸۸	۰/۳۰۷	۰/۰۷۴	۰/۲۸۶	درستکاری
۰/۰۴۱	۲/۰۵	۰/۱۶۶	۰/۰۷۶	۰/۱۵۷	مسئولیت‌پذیری
۰/۷۳۳	۰/۳۴۱	۰/۰۳	۰/۰۸۵	۰/۰۲۹	دلسوزی
۰/۰۱	۲/۶۱	۰/۲۲۷	۰/۰۸۲	۰/۲۱۴	بخشش
r=۰/۶۱۹		r^۲= ۰/۳۸۳	f= ۴۶/۹۹۳	Sig= ۰/۰۰۰	

بر اساس یافته‌های جدول (۵) مقدار f در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ معنادار است و بنابراین فرض صفر " رگرسیون معنادار نیست " با اطمینان ۰/۹۹ رد می‌شود. مقدار ضریب همبستگی (r) ۰/۶۱۹ و ضریب تعیین (r^۲) نیز برابر با ۰/۳۸۳ می‌باشد، به این معنا که ۳۸/۳ درصد تغییرات متغیر ملاک (تعهد زناشویی) را می‌توان بر اساس متغیر پیش بین وارد شده (هوش اخلاقی) تبیین نمود و بقیه متعلق به سایر متغیرهایی است که در این مطالعه لحاظ نگردیده‌اند. هم چنین با توجه به معنی داری ضرایب β فرض صفر "ضرایب بتا برابر با صفر است" با اطمینان ۹۹ درصد رد می‌شود و از بین مؤلفه‌های هوش اخلاقی به ترتیب مؤلفه‌های درستکاری با مقدار β (۰/۳۰۷)، بخشش با مقدار β (۰/۲۲۷) و سپس بعد مسئولیت‌پذیری با مقدار β (۰/۱۶۶) بیشترین تأثیر را بر تعهد زناشویی دانشجویان دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به این که بین جهت‌گیری مذهبی با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، می‌توان به ای نکته اشاره کرد که در حقیقت مذهب به عنوان یکی از مسائل اساسی بر تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی بشر، تأثیر انکارناپذیری می‌گذارد و نقش مهم و کلیدی در زندگی انسان‌ها بازی می‌کند. به طوری که پایبندی به مذهب به عنوان راهنمای زندگی خانوادگی، عامل مهمی در پایداری ازدواج و تعهد زناشویی است.

بین هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن با تعهد زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که در تبیین این یافته می‌توان گفت: افراد متأهل در تعاملات روزمره خود مفاهیم و اصول اخلاقی و معنوی را در نظر می‌گیرند و به عنوان معیاری در روابط خود به آن رجوع کرده و سعی در کسب رضایت خانواده دارند. در واقع افرادی که از هوش اخلاقی بالایی برخوردارند در زندگی زناشویی خود، درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و بخشش بیشتری را نشان می‌دهند که این عامل باعث افزایش تعهد و رضایت زناشویی آنان می‌شود. به درستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند استحکام داشته باشد، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. نیز بی‌شک، هیچ آسیب اجتماعی وجود ندارد که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از کمالات و از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی است. یعنی علت تشکیل نهاد خانواده، حفظ و تکامل ارزش‌های انسانی است. ارزش‌های اخلاقی متعددی را می‌توان بر شمرد که تعالی آنها در نهاد خانواده لحاظ شده است. از جمله این موارد می‌توان عفت، شجاعت و ایثار را نام برد. هر کدام از این ارزش‌ها برای تحقق و تکامل خود نیازمند تشکیل خانواده هستند و در نتیجه نیز خانواده‌ای که بر مبنای این ارزش‌ها پدید آید باعث رشد این ارزش‌ها می‌شود. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های خانواده سالم تعهد زناشویی است. تعهد زناشویی حدی است که در آن افراد دیدگاه بلندمدتی روی ازدواجشان دارند، برای رابطه‌شان فداکاری می‌کنند. برای حفظ، تقویت و همبستگی اتحادشان گام بر می‌دارند و حتی هنگامی که ازدواجشان ثمربخش نیست، با همسرشان می‌مانند (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت‌های حل مسئله مناسب تر و رضایت زناشویی رابطه دارد (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵). و سطوح پایین آن با دلزدگی زناشویی رابطه دارد (زارعی و حسینقلی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).

از این رو باید به دنبال شناسایی عوامل موثر بر تعهد زناشویی بود که در مطالعه حاضر مشخص شد هم جهت‌گیری مذهبی و هم هوش اخلاقی با تعهد زناشویی دانشجویان رابطه دارند که بدین معنی است هر چه افراد از جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی بالاتری برخوردار باشند، تعهد زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند.

کسانی که مذهب بیرونی دارند، از نظر فلسفه الهی، به خداوند روی می‌آورند ولی از خود دور نمی‌شوند. به همین دلیل مذهب آنها اساساً به سپری برای آنها تبدیل می‌شود. این همان خودمیان بینی مذهبی است که از نظر فروید به روان آزدگی منتهی می‌شود. در اینجا مذهب به عنوان دفاعی در برابر اضطراب عمل می‌کند. از نظر انگیزشی این مذهب بر انگیزاننده نیست ولی به دیگر انگیزه‌ها مانند نیاز به امنیت، نیاز به مقام و قدرت، نیاز به حرمت خود، سرویس می‌دهد. از نظر تحولی نیز چنین افرادی مصداق توضیحاتی هستند که پیازه

درباره خود میان بینی می‌دهد. مذهب درونی به شکل ابزاری سازمان نمی‌گیرد و وسیله‌ای برای کنترل ترس‌ها و کسب آسایش و راحتی و یا تلاشی برای والایی‌گرایی مسایل جنسی یا آرزوهای کمال جویانه نیست. مسایل اخیر ممکن است در چارچوب نیازهای اولیه ما باشند ولی مذهب وسیله‌ای برای ارضاء آنها نیست، بلکه مذهب یک تعهد همه جانبه است. این تعهد علاوه بر اینکه هوشمندانه است، اساساً انگیزشی است. چنین مذهبی هر آنچه در تجربه خود قرار گیرد را پوشش می‌دهد و هر آنچه که فرا تجربی باشد نیز از دایره آن خارج نیست. این مذهب خانه‌ای است برای حقایق علمی و حقایق عاطفی و مشتاق تعهد به یک وحدت یافتگی و یکپارچگی ایده آل در زندگی شخصی است. تنها مذهب با جهت‌گیری درونی است که سلامت روانی را تضمین می‌کند. علاوه بر مطالعات آلپورت تحقیقات زیادی نتایج او را تأیید کرد. حتی برخی پژوهش‌ها نشان دادند که افراد با جهت‌گیری مذهبی درونی، از نظر شناختی منطقی‌تر و از سلامت روانی بیشتری برخوردارند و میزان رضایتمندی آنها از زندگی بیشتر است (جان بزرگی، ۱۳۸۶: ۳۴۶).

در نتیجه جهت‌گیری مذهبی درونی همان طور که در یافته‌ها نشان داده شد توان بیشتری برای پیش‌بینی تعهد زناشویی نسبت به جهت‌گیری مذهبی بیرونی دارد. حال که نقش این دو مؤلفه مهم و تأثیر کار بر تعهد زناشویی مشخص شد، می‌بایست مسئولان فرهنگی و متخصصان بهداشت روان جامعه، با برنامه‌های آموزشی جهت مشاوره قبل از ازدواج، امکان ارتقای جوانانی که در آستانه ازدواج قرار دارند را فراهم کنند.

همچنین می‌توان با برگزاری جلسات مشاوره گروهی و مشاوره خانواده مبتنی بر مفاهیم جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی (شامل عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها، و باورها، راستگویی، استقامت و پافشاری برای چیزی که حق است، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، اقرار به اشتباهات و شکست‌ها، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران، علاقه‌مند بودن به دیگران، توانایی در بخشش اشتباهات خود و توانایی در بخشش اشتباهات دیگران)، از تعارضات زناشویی زوجین درگیر تعارضات و مناقشات کاست و تعهد و رضایت زناشویی آنها را ارتقا بخشید.

منابع

- اصغری، فرهاد و قاسمی جوبنه، رضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش اخلاقی و گرایش‌های مذهبی با رضایت زناشویی در معلمان متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۴، شماره ۱: ۸۴-۶۶.
- جان بزرگی م، ۱۳۸۶، جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان، پژوهش در پزشکی، ۳۱(۴): ۳۵۰-۳۴۵.
- خانجانی وشکی، سحر؛ سلیمی، سمانه؛ صفریگی، شهناز؛ صدیقی؛ اکرم و شاه‌سیاه، مرضیه. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش زوج‌درمانی شناختی رفتاری اسلام محور بر تعهد زناشویی. مجله تحقیقات نظام سلامت، سال ۱۰، شماره ۳: ۵۳۷-۵۲۵.
- خداپناهی، محمد کریم و خاکسار بلادجی، محمدعلی. (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان. مجله روانشناسی، ۳۵، سال ۹، شماره ۳: ۳۲۰-۳۱۱.
- زارعی، سلمان و حسینقلی، فاطمه. (۱۳۹۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایزیافتگی خود در دانشجویان متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۴، شماره ۱: ۱۳۳-۱۱۴.
- شاه سیاه، مرضیه؛ بهرامی، فاطمه و محبی، سیامک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال ۱۱، شماره ۳: ۲۳۸-۲۳۳.
- صدیقی، اکرم؛ صفریگی، شهناز؛ محبی، سیامک و شاه سیاه، مرضیه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین. مجله دین و سلامت، دوره ۲، شماره ۱: ۵۶-۴۹.
- عسگری، پرویز؛ پاشا، غلامرضا و آذرکیش، مریم. (۱۳۹۰). مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار. مجله اندیشه و رفتار، دوره ۶، شماره ۲۱: ۶۰-۵۳.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام علی؛ ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های فرزند پروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال ۲، شماره ۳: ۶۰-۳۹.
- کریمیان، نادر؛ کریمی، یوسف و بهمنی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۱، شماره ۲: ۲۵۶-۲۴۳.
- محمدی، بهناز؛ زهرا کار، کیانوش؛ داورنیا، رضا و شاکرمی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. مجله دین و سلامت، دوره ۲، شماره ۱: ۲۳-۱۰.
- Al-Mabuk, R. H. Enright, R. D., & Cardis, P. A. (۱۹۹۵). Forgiveness education with parentally love-deprived late adolescents. *Journal of Moral Education*, ۲۲(۴), ۴۲۷-۴۴۴.
- Boos L. ۲۰۰۹, *Commitment Communication and Length of Marriage: Scratching the seven-year Itch*, Wichita State University: Proceedings of the ۵th Annual GRASP Symposium: ۱۶-۷.
- Brown, E., Orbuch, T. L., & Bauermeister, J. A. (۲۰۰۸). Religiosity and marital stability among black american and white american couples*. *Family Relations*, ۵۷(۲), ۱۸۶-۱۹۷.
- Call, V. R., & Heaton, T. B. (۱۹۹۷). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*, ۳۸۲-۳۹۲.

- Entezar, R. K., Othman, N., Kosnin, A. B. M., & Panah, A. G. (۲۰۱۱). Relation between Emotional Intelligence and Forgiveness with Marital Satisfaction. *International journal of fundamental psychology and social sciences*, 1, ۲۱-۲۵.
- Fiala, W. E., Bjorck, J. P., & Gorsuch, R. (۲۰۰۲). The religious support scale: Construction, validation, and cross-validation. *American Journal of Community Psychology*, ۳۰(۶), ۷۶۱-۷۸۶.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., & Davila, J. (۲۰۰۷). Longitudinal relations between forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, ۲۱(۳), ۵۴۲-۵۴۵.
- Freedman, S., & Knupp, A. (۲۰۰۳). The impact of forgiveness on adolescent adjustment to parental divorce. *Journal of Divorce & Remarriage*, ۳۹(۱-۲), ۱۳۵-۱۶۵.
- Gall, T. L. (۲۰۰۶). Spirituality and coping with life stress among adult survivors of childhood sexual abuse. *Child abuse & neglect*, ۳۰(۷), ۸۲۹-۸۴۴.
- Gordon KC, Baucom DH, Snyder DK. ۲۰۰۵, Treating couples recovering from infidelity: an integrative approach, *J Clin Psychol*, ۶۱(۱۱), ۱۳۹۳-۴۰۵
- Gordon KC, Hughes FM, Tomcik ND, Dixon LJ, Litzinger SC. ۲۰۰۹, Widening Spheres of impact: The role of Forgiveness in Martial and Family Functioning. *J Family Psychology*, ۲۳(۱), ۱-۱۳.
- Haseley, J. L. (۲۰۰۶). Marital satisfaction among newly married couples: Associations with religiosity and romantic attachment style.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (۲۰۰۸). The Threefold Cord Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, ۲۹(۵), ۵۹۲-۶۱۴.
- Lichter D, Carmalt J. ۲۰۰۹, Religion and marital quality among low- income couples, *Social Science research*, ۳۸ (۱), ۱۶۸-۸۷.
- Mattingly BA, Wilson K, Clark EM, Bequette AW, & Weidler DJ. ۲۰۱۰, Foggy Faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample, *J Fam Issues*, ۳۱(۱۱), ۱۴۶۵-۸۰.
- Sadeghi L, Samani S. ۲۰۱۱, Components of couple's sexual relationship: a moral perspective, *Procedia Social l and Behavioral Science*, ۳۰ (۳), ۱۶۱۶-۱۹.
- Swann, W. B., Hixon, J. G., & De La Ronde, C. (۱۹۹۲). Embracing the bitter "truth": Negative self-concepts and marital commitment. *Psychological Science*, ۳(۲), ۱۱۸-۱۲۱.